

صورالکواکب

ترجمہ خواجہ نصیرالدین طوسی

به کوشش: بهروز مشیری



صوفی، عبدالرحمان بن عمر، ۲۹۱ - ۳۷۶ق.
صورالکواکب / ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی؛ به کوشش بهروز
مشیری، - تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
۲۷۹ص، مضور، جدول،
ISBN: 978-964-311-349-0
فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. صورت‌های فلکی - متون قدیمی تا قرن ۱۴، ۲. نجوم اسلامی -
متون قدیمی تا قرن ۱۴، ۳. بروج دوازده گانه - متون قدیمی تا قرن ۱۲.
الف. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد، ۵۹۷ - ۶۷۲ق. مترجم: ب.
مشیری، بهروز، ۱۳۱۵ - . گردآورنده: ج. عنوان.
۹۰۲۱ص ۹ص GH ۸۰۲ / ۵۲۳۸
۱۳۸۱
کتابخانه ملی ایران ۲۷۱۲۲-۸۱م



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۲۱۵، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

صورالکواکب

ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی

به کوشش بهروز مشیری

چاپ سوم

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۸۹

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۳۲۹-۰

ISBN: 978-964-311-349-0

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۶۵۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتار.....
۱۳	مقدمه.....
۲۹	کواکب دب اصغر.....
۳۲	کواکب دب اکبر.....
۳۷	کواکب تنین، یعنی ازدها.....
۴۴	کواکب قیقاوس و آن را ملتهب خوانند.....
۴۹	کواکب عوا و آن را صیاح و نقاد و حارس‌الشمال نیز خوانند.....
۵۵	کواکب اکلیل شمالی و او را فکه خوانند.....
۵۸	کواکب صورت الجائی علی رکیته و او را راقص نیز خوانند.....
۶۶	کواکب لورا و او را شلیاق و اوز و صنح و معزفه و سلحفاة نیز گویند.....
۶۹	کواکب طایر و آن را دجاجه خوانند.....
۷۴	کواکب ذات‌الکرسی.....
۷۹	کواکب برشاوس و آن را حامل رأس‌الغول خوانند.....
۸۶	کواکب ممسک‌الاعنه والعنان نیز گویند.....
۹۲	کواکب حوا و حیه، یعنی مار افسای و مار.....
۹۴	کواکب حیه حوا.....
۱۰۰	کواکب سهم، یعنی تیر.....
۱۰۲	کواکب عقاب و او نسر طایر است.....
۱۰۴	کواکب دلفین.....
۱۰۷	کواکب قطعة‌الفرس.....
۱۰۹	کواکب فرس اعظم.....
	کواکب مرآة مسلسله و او را المرآة‌التي لم تربعلا، یعنی زن شوی نادیده
۱۱۴	و به یونانی آندرو میدا خوانند.....

کواکب مسلسله با کواکب سمکه شمالیه که بطلمیوس در برج دوازدهم آورده

۱۲۰	چنانک بر آسمان بینند
۱۲۳	صورت‌های بروج دوازده‌گانه
۱۲۴	کواکب حمل
۱۲۹	کواکب ثور
۱۴۰	کواکب توأمین
۱۴۸	کواکب سرطان
۱۵۲	کواکب اسد
۱۵۸	کواکب عذرا و آن سنبله است
۱۶۶	کواکب میزان
۱۷۲	کواکب عقرب
۱۷۹	کواکب رامی و آن را قوس خوانند
۱۸۷	کواکب جدی
۱۹۲	کواکب ساکب‌الما و آن را دلو خوانند
۲۰۲	کواکب سمکتین و آن را حوت خوانند
۲۰۹	صورت‌های جنوبی
۲۱۰	کواکب قیطس
۲۱۶	کواکب جبار و او را جوزا خوانند
۲۲۳	کواکب نهر
۲۳۰	کواکب ارنب
۲۳۳	کواکب کلب اکبر
۲۳۹	کواکب کلب اصغر
۲۴۱	کواکب سفینه
۲۵۰	کواکب شجاع و آن نوعی از مازان باشد
۲۵۸	کواکب باطیه
۲۵۹	کواکب قنطورس و سبع
۲۶۲	کواکب سبع
۲۷۰	کواکب مجمره
۲۷۳	کواکب اکلیل جنوبی
۲۷۶	کواکب حوت جنوبی
۲۷۹	تم‌الکتاب

پیشگفتار

محمد بن محمد بن الحسن الطوسی مکنی به ابوجعفر و ملقب به استادالبشر و عقل حادی عشر، مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی از بزرگ‌ترین دانشمندان ایران است. وی در روز یازدهم جمادی‌الاولی سال ۵۹۷ هجری قمری در طوس به دنیا آمد.

خواجه در همان آغاز کودکی قرآن مجید را آموخت و صرف و نحو و اشتقاق و مبانی علل و لغت را فرا گرفت و در نزد پدرش به تحصیل علم فقه و اصول پرداخت، دایی‌اش نیز مقدمات منطق و حکمت را به او آموخت.

در همان دوران حساب و هندسه و جبر و موسیقی را تحصیل کرد و سپس در ابتدای جوانی برای تکمیل معلومات خویش به نیشابور رفت که یکی از مراکز مهم علمی محسوب می‌شد. خواجه در این شهر مدتی بماند و از محضر بسیاری از دانشمندان استفاده کرد.

خواجه نصیرالدین طوسی علوم معقول را از فریدالدین داماد نیشابوری و علوم ریاضی را از کمال‌الدین محمد حاسب فرا گرفت و مدتی هم در محضر دانشمندانی چون قطب‌الدین مصری و کمال‌الدین یونس موصلی و ابوالسعادات اصفهانی تلمذ کرد و در معارف زمان خویش به ویژه حکمت و ریاضی استاد مسلم شد و لقب استادالبشر گرفت.

وی پس از حمله مغول به دربار ناصرالدین عبدالرحیم حکمران قهستان که از سران اسماعیلیه بود، راه یافت و کتاب معروف اخلاق ناصری را به نام او پرداخت. چندی بعد ناصرالدین او را به قلعه الموت نزد علاء‌الدین محمد هفتمین خلیفه حسن صباح برد و سپس ملازم رکن‌الدین خورشاه آخرین فرمانروای اسماعیلی شد.

هنگامی که هولاکو برای تسخیر قلعه‌های اسماعیلیه لشکر کشید، رکن‌الدین خورشاه به صوابدید خواجه نصیرالدین طوسی تسلیم شد و خواجه از آن پس به دربار هولاکو راه یافت و از قربان و معتمدان وی شد و تا روزی که هولاکو درگذشت خواجه نصیر به تعبیری وزیر او بود.

خواجه نصیرالدین طوسی در دوران فرمانروایی هولاکو به سال ۶۵۷ هجری قمری رصدخانه مراغه را بنا کرد. وی در سفرهای خود به بغداد آنچه کتاب و آلات رصدی برای کار خود لازم می‌دانست، از اطراف جمع و به رصدخانه منتقل کرد. خواجه نصیرالدین طوسی خلاصه اعمال و رصدهای خود و یارانش را در کتاب زیج ایلخانی مدون نموده است.

وی گذشته از مقامات علمی که داشته و تصانیف ارزشمندی که در علوم مختلف پرداخته است، وجودش منشأ خدمت بسیار مهمی به دانش بشری بوده است، چنان که به مناسبت نفوذش در دربار هولاکو خان مقدار معتابیهی از کتاب‌های نفیس را که در معرض نابودی بود، فراهم آورد و در کتابخانه‌ای نگهداری کرد. تعداد کتبی را که در این کتابخانه به سعی و همت خواجه نصیرالدین فراهم آمده بود تا چهارصد هزار مجلد نوشته‌اند. همچنین نفوذ و منزلت وی باعث نجات جان بسیاری از فضلا و علمای عهد شد.

وی، گذشته از تدریس و تصنیف و ترجمه، گاهی نیز به شاعری می‌پرداخت و ابیاتی به نام او در تذکره‌ها ثبت است.

خواجه نصیرالدین طوسی آخرین بار همراه اباقاخان جانشین هولاکو به بغداد رفت و همان جا بیمار شد و در روز دوشنبه هجدهم ذیحجه سال ۶۷۲ هجری قمری درگذشت.

و اما کتابی که در دست دارید، خود سرگذشتی شگفت دارد. مؤلف اصل کتاب ابوالحسین عبدالرحمن بن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی یکی از مشاهیر بزرگ ایرانی است که در قرن چهارم هجری می‌زیست و حدود هشتاد و دو سال عمر کرد. وی در دستگاه عضدالدوله دیلمی به سر می‌برد. او می‌نویسد: «در سنه ۳۳۵ از هجرت که در صحبت استاد رئیس ابوالفضل محمدبن حسین، به دینور بودم و در حجره ابوحنیفه نزول کرده بودم، از جماعتی مشایخ آن‌جا شنیده بودم که او بر بام این حجره سال‌های بسیار رصد کواکب کرده

است، اما چون تألیف او با دست آمد و در آنچ در کتاب آورده است، تأمل رفت معلوم شد که نظر او مقصور بوده بر آنچ ظاهر و مشهود است از احوال کواکب و آنچ در کتب انوا یافته از ذکر منازل و مانند آن.»

صوفی کتاب ابوحنیفه دینوری (احمد بن داوود ابوحنیفه دینوری) را دیده و در آن باره می نویسد: «هر چند ما در علم انوا بسیار کتاب ها دیده ایم، اما تمام ترین و کامل ترین آن کتاب ها که در این فن دیده ایم کتاب ابوحنیفه دینوری است و آن کتاب دال است بر آنک او را به اخبار و اشعار و اسجاعی که در این فن از باب منقول است معرفتی بوده است تمام تر از معرفت دیگر کسانی که در این شیوه تألیف کتب کرده اند و با این همه من نمی دانم تا معرفت او کواکب را بر مذهب با دعوی عیان که می کند چگونه بوده است، چه او از ابن الاعرابی... و به غیر ایشان بسیار چیزهایی از احوال کواکب باز می گوید که دال است بر قلت معرفت ایشان به آن کواکب و اگر او نیز که ابوحنیفه است آن کواکب را شناخته بودی آن خطاها به اسناد ایشان نیارودی.»

خواجه نصیرالدین طوسی کتاب را به فارسی ترجمه کرده است و در مقدمه این کتاب می نویسد:

«این کتاب صورالکواکب است که به التماس بعضی دوستان از تازی با پارسی کرده می شود به توفیق الله و عونه.»

و نسخه دستنویس خود را به این عبارت ختم می کند:

«تم الکتاب - از ترجمه و نسخ این کتاب اتفاق فراغت افتاد به توفیق خدای تعالی روز دوشنبه بیست و پنجم ذوالقعدة سنه سبع و اربعین و ستمائه هجری.»

استاد محترم و گرامی شادروان دکتر پرویز ناتل خانلری می نویسد:

«به نظر می رسد که این نسخه به کتابخانه سلاطین ایلخانی مغول یا یکی از وزیران بزرگان آن دستگاه تعلق یافته بوده و پس از برچیده شدن ایلخانان و تأسیس سلسله جلایری که مرکز حکومت ایشان بغداد بوده است این نسخه نیز شاید با نفیاس دیگر به خزانه سلطنتی بغداد منتقل شده بوده است.»

در روی صفحه عنوان به خط تعلیق نوشته شده است «کتاب صورالکواکب ترجمه خواجه نصیر» پس از حمله تیمور به بغداد و غارت آن شهر در ذی القعدة و ذی الحجة سال

۸۰۳ تا اوایل ۸۰۴ ظاهراً این نسخه در جزء غنایم، به خزانه تیمور انتقال یافته و به سمرقند پایتخت او منتقل شده است.

در همان صفحه، دستخط میرزا الغ بیگ نواده تیمور که علاقه او به علم نجوم و اهتمامش در تأسیس رصدخانه سمرقند و تدوین زیج الغ بیگی معروف است دیده می شود که نوشته است: «الاجوج خلق الله الیه الغ بیگ.»

پس از آن معلوم نیست بر اثر چه حوادثی این نسخه گرانبها و نفیس از سمرقند به اسلامبول افتاده و به خزانه سلاطین آل عثمان درآمده است، که سلطان بایزید ثانی پسر سلطان محمد فاتح مهر تملک خویش را بر آن زده، مهر بادامی سلطان بایزید معروف است و آن مهر در اول و آخر هزاران نسخه خطی محفوظ در کتابخانه ها موجود است.

سلطان محمودخان اول (۱۱۴۳ تا ۱۱۶۸ هجری) آن را به کتابخانه ایاصوفیه وقف کرده است و احمد شیخزاده مفتش اوقاف در دربار او عبارت حاکی از وقف را بر پشت لوح کتاب نوشته است. کاتبان بسیاری از این کتاب نسخه برداشته اند و از جمله نسخه ای از این کتاب است محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۵۲۵۰ که نادرشاه افشار آن را در سال ۱۱۴۵ بر آن کتابخانه وقف کرده است.

در پایان این نسخه کاتب می نویسد: «قدم الکتاب بعون الملک الوهاب، فی یوم الثلاثاء عشر اولی شهر جمادی الثانی حجة ثلث و ستین هجری بعدالالف... منقول از نسخه ای که آن نسخه نقل کرده شده بود به یک واسطه از نسخه اصل به خط مترجم خاتم الحکما الاسلامیه نصیرالحق والملة والدين محمد بن الحسن الطوسی تغمده الله بغفرانه» و در آخر آن نوشته بودند: «از ترجمه و نسخ این کتاب اتفاق فراغت افتاد.»

در حاشیه صفحه آخر این نسخه، این عبارت نوشته شده است: «این کتاب که در معرفت صورکواکب است از تألیفات احکم الحکما المتأخرین والطف الحکماء الاولین خواجه نصیرالحق والدين محمد بن حسن الطوسی، تغمده الله برحمته الله و نبی و آله. هم به خط ید اوست تحقیقاً. حرره صاحبه اضعف العباد احمد بن شیخ اویس غفرالله ذنوبه بمنه و کرمه. والسلام. فی شهر سنه خمس و ثمان مایه الهجریه به دارالسلام بغداد.»

در روی صفحه عنوان در بالای صفحه شاید از طرف کتابدار کتابخانه سلطنتی عثمانی

چنین نوشته شده است: «کتاب ترجمه کتاب صورالکواکب بالفارسیه مرقوم بانه به خط مترجم‌الذی هو النصیر الطوسی من قبل النجوم.»
«من قبل» در اصطلاح کتابداران سلاطین آل عثمان به معنی «از نوع» و «از قبیل» به کار می‌رفته است و کتاب‌های کتابخانه‌ها را با این نحو تعبیرات دسته‌دسته می‌کردند.
لازم به ذکر است در پاره‌ای موارد عاجز از خواندن متن شده‌ام و در ذیل صفحه آورده‌ام که خوانده نشده است.

آبان‌ماه ۱۳۸۰

بهروز مشیری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الحمد لله حمد الشاکرین و صلواته علی محمد و آله اطهارین و
 این کتاب صورالکواکب است که باقی نامش بعضی بدستان از تازی باه سی که می شده است
 الله و عونه و اعانتش است؛ حسن کتب عبدالرحمن بن عمر معروف باب الحسین صوفی رحمة الله
 بعد از آنکه حمدش را خدای تعالی کرده و بر محمد مصطفی و آلش صلوات داد که باقی بسیاری مردم را
 که در طلب معرفت کواکب ثابته و مواضع بر یک از فلک و صورستارگان خاصه کنند و این را در
 کرده اند کرده لفظ جامعی که بر طریقه دشمن می رود و عقول ایشان بر کوهایی صورتند از جبل
 کسی که کواکب را بتعمیر شناخته اند و اعتماد کرده اند بر آنچه در کتب مافیه اند از طول و عرض هر یک
 و این موجب انزای بر کوه نفس که در این کتب بر خطا وصول آن واقف شدن اند و چون کسی که آن کواکب
 شناسد در آن تا مگر که بعضی را در نظم و تألیف مخالف یا بد یا آه بر اساس هست و یا بر آنچه در فضایی
 موجود است که بر همان از زجها دعوی کرده اند که این کواکب را رصد کرده ام و موضع هر یک شناخته
 و ایشان رصد کوکی چند مشهور را که در حواصل و علوم انرا دانند مانند علم الفجر و طلوع و غروب و کمال العول
 و این سه کواکب که بر وجهه معتدله معلوم است که در این موضع هر یک در وقت رصد خوش نشانه
 کرده اند و این کواکب همان که بطولوس گفته است که طول و عرض هر یک رصد کرده ام و در کما و جودگی
 معروف به سطحی است که استعدازان همان مقدار که این کواکب در مدتی که از تازی در رصد بطولوس
 یافتند بعد از آن حرکت کرده بودند بر طول و دیگر کواکب ثابته که در جداول کما و بطولوس ثبت شده
 افزون ماند و الطول و عرض بسیاری از آن جمله دقیقه چند اندک یافت و بعضان که تا بنابر آن
 ایشان را رصد کرده اند و ان در معادته آن که بعد از عاوقت حرکت در وقت مذکور ما در رصد
 و رصد بطولوس مخالف افاده است مانند ایشان که کواکب را بتعمیر خود شناخته اند و تازی ^{مطابق}
 و عزراست که از جمله اسرطانه اند چه ما متخما و بسیار از کما و سطحی تا مگر که ام و در بسیار کواکب
 ما انون سخا اختلاف یافته و چون ان کواکب را در کما کتاب تازی ما در صلاهی که دعوی کرده است طلوع کرده ام
 جان ما تمام که هر یک را که در سخا مصلف آورده و در کما که هم اختلاف کرده و این
 اندک هم و چهارم بسیار ممکن بود و در قدیم و ششم که در ان خلاف خود بسیار ما در دعوی کرده است
 کواکب که صورتی را رصد کرده ام و کوهی را که برقی های جب او کی مقیم است در کما ما در رصد
 رسم و رسم او در وقت رصد او بازنه وجه و در وقت حرکت کواکب در موضع هر کوهی باید آورد
 از این در سطحی شناخته با بر وجه وضع ان کواکب در سمت و جهت وجه و جهه در وقت رصد خوش باید

در وقت رصد کواکب